

شعر درختی

برای هرمز علی پور

اینک ردیف سبز درختان  
شعری که حک نموده بر کتیبه‌ی دشت  
باغبان، شاعر، انسان.

از زیبایی پریدم

برای شادی بختیاری نژاد

دیوانه‌ام، که این پری به خواب من آمد  
مهتابی مسافرخانه از بنفشه و شب بو  
سرشار بود و  
آبشاری که فرومی ریخت  
از پیچک گل‌های یاس  
در هوا معلق ماند  
از زیبایی پریدم و ماه دو هفته  
پشت پنجره کامل بود  
دیوانه‌ام، که این پری، به خواب من آمد.

پرسش و پاسخ

رنگین کمان را پرسیدم تو چستی؟  
گفت: شال گردنی که باران  
برای خورشید بافته است.

وصیت نامه

برای مهدی مرادی

تو را به یاس‌ها می سپارم  
در بیمارستان این کاغذها، سپید  
تو را به یاس‌ها می سپارم و  
آرام می میرم  
تو زندگی کن دوست من!  
تا سال‌های سنگ  
تو زندگی کن  
تو را به یاس‌ها می سپارم  
تو یاس‌ها را به داس‌ها مسپار.

یک لکه شادمانی

روزم را  
مرهون کشف کفشدوزکی هستم  
یک لکه شادمانی کوچک  
که چکه کرده از دهن دنیا  
بر دامن چروک چمن  
و آن‌گاه  
من روشن از تماشا  
تکرار تیرگی را  
در خال‌های بال تو  
حاشا کردم.